



۱- کدام بیت را شاعر دو بار به ایهام و سه بار به تشبیه آراسته است؟

۱) گفت که تو شمع شدی قبله این جمع شدی / جمع نی ام شمع نی ام دود پراکنده شدم

۲) چشمه خورشید تویی سایه گه بید منم / چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم

۳) میر شکار فلکی تیر بزن در دل من / ور بزنی تیر جفا همچو زمین پی سپرم

۴) باز تو ام باز توام چون شنوم طبل تو را / ای شه و شاهنشاه من باز شود بال و پرم

(۱) پاسخ گزینه ۲

ایهام: «زدی» در دو معنا به کار رفته است: ۱- بر من تائیدی ۲- بر سرم زدی / «پست» در دو معنا به کار رفته است: ۱- حقیر و فرومایه ۲- کوتاه شده / سه تشبیه: ۱- چشمه خورشید ۲- تو مثل چشمه خورشیدی ۳- من مثل سایه گه بیدم

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) تشبیهات: ۱- تو مثل شمع شدی ۲- تو قبله جمع شدی ۳- من دود پراکنده شدم / ایهام: جمع (در مصراع دوم) می تواند در دو معنا پذیرفتنی باشد: ۱- مجموع و آسوده خاطر ۲- جمعیت

(۳) تشبیهات: ۱- تو میرشکار ۲- تیر جفا ۳- هم چو زمین

(۴) تشبیهات: ۱- من مثل باز توام ۲- تو مثل شاه و شاهنشاه من هستی / ایهام ندارد.

نکات:

برخی واژه های چندمعنایی (مبحث اصلی در آرایه های جناس تام و ایهام)

راست (متضاد دروغ / متضاد کج / متضاد چپ / عیناً و دقیقاً)

نمونه: همچو بالات بگویم سخنی راست تو را راستی را چه بلایی است که بالاست تو را (ایهام)

هزار (۱۰۰۰ / بلبل)

نمونه: نه من بر آن گل عارض غزل سرایم و بس که عندلیب تو از هر طرف هزارانند (ایهام تناسب)

پروانه (جواز / نوعی حشره)

نمونه: کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد (ایهام تناسب)

روی (چهره / نام نوعی فلز)

نمونه: گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد آه کز طعنه بدخواه ندیدم رویت

سودا (تجارت / عشق)

نمونه: اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم (ایهام تناسب) نیست چون آینه ام روی ز آهن چه کنم (ایهام تناسب)

گل ز مژگان تو در چشم گلستان خارها

ماه (قمر می تواند استعاره از معشوق باشد) / سی روز

ماه این هفته برون رفت و به چشمم سالی است / حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است (ایهام تناسب)

ایهام در لغت به معنی «در وهم و گمان افکندن کسی» است و در اصطلاح بدیع، آوردن واژه‌ای یا عبارتی در سخن با دو یا چند معنا که معمولاً بیت با تمام معانی پذیرفتنی است. فهم ایهام، به دو نکته زیر بستگی دارد:

(الف) آشنایی با معانی مختلف یک واژه

(ب) فهم متن و برداشت منطقی دو معنا از یک واژه ایهامی به مثال زیر دقت کنید:

ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب که بوی باده مدامم دماغ تر می‌دارد

واژه «بو» در مصراع دوم ایهام دارد: (۱) رایحه (در جست‌وجوی بوی شراب هستم). (۲) امید (برای رسیدن به باده امیدوار هستم).

دریافت هم‌زمان چند معنا از یک واژه یا یک عبارت در کلام، تصویری زیبا در ذهن خواننده یا شنونده ایجاد می‌کند و سبب زیبایی کلام می‌گردد.



۲- در ابیات زیر به ترتیب چند تشبیه و چند استعاره مصرحه وجود دارد؟

-من باد پای روح من بادبان نوح / من رازدار غییم من راوی روانم

-با وجود لعل ساقی چشمه جرعه کوثر نوشم / تا نپنداری که من لب تشنه آب زلالم

-مجلس امشب از فروغ لاله رویان روشن است / بی خبر هر سو که می غلتد نگاهم گلشن است

(۱) پنج - دو (۲) پنج - سه (۳) شش - دو (۴) شش - سه

(۲) پاسخ گزینه ۳

تشبیهات: ۱- من به بادپای روح ۲- بادپای روح ۳- من به بادبان نوح ۴- تشبیه لب ساقی به چشمه کوثر و نسبت به آن برتر (تفضیلی) ۵-

لاله‌روی ۶- هر سو مثل گلشن است. / استعاره: ۱- لعل_ (لب) ۲- ساقی (واسطه فیض - یار)

نکات:

استعاره مصرحه:

با «مجاز» آشنا شدید. هر واژه‌ای یک «حقیقت» و یک «مجاز» دارد؛ حقیقت آن معانی از واژه است که در لغت‌نامه یا فرهنگ‌های لغت ذکر شده است. مجاز یک معنی قراردادی است که ما برای یک واژه تعیین می‌کنیم. میان این حقیقت و آن مجاز همیشه ارتباطی هست. در آرایه «مجاز» میان این دو ساحت یک واژه، پیوندها یا ارتباط‌های مختلفی می‌تواند باشد؛ جزئی از یک معنای کلی، کلی از جزء، همراهی، جایگاهی، ابزار، جنس و... اما در فهرستی که از مجازهای رایج دیدید، هیچ‌جا نشانه‌ای از پیوند «شبهات» نبود؛ زیرا هر گاه واژه‌ای را به سبب شبهات در معنی مجازی به کار ببریم، استعاره مصرحه آفریده می‌شود. تشخیص استعاره مصرحه با رجوع به «اسم»‌ها ممکن می‌شود؛ به سراغ اسم‌ها بروید و ببینید کدام یک در معنی حقیقی به کار نرفته است. سپس، بررسی کنید که آیا ارتباط بین معنی حقیقی و مجازی از نوع شبهات است یا نه. اگر شبهات بود، استعاره مصرحه داریم. همچنین، آموختید که تشبیه مقایسه‌ای بین دو پدیده است که نام هر دو صریحاً در بیت آمده باشد. چون در استعاره هم با پیوند شبهات (یا همان مقایسه دو پدیده از نظر شبهات) روبرویم، آن را می‌توانیم به عبارت ساده‌تر به این شکل تعریف کنیم:

تشبیهی است که همه ارکان آن حذف شده باشد، به جز «مشبه‌به».

☆ نکاتی دربارهٔ ارکان تشبیه:

مشبّه به هیچ‌گاه حذف نمی‌گردد، اما مشبّه (به قرینه)، وجه شبه و ادات می‌توانند حذف شوند. وجه شبه می‌تواند نقش‌های دستوری و شکل‌های متنوعی داشته باشد و تشخیص آن به دریافت دقیق مفهوم بیت بستگی دارد. دقت کنید:

گشتم از اشک ندامت مخزن گنج گهر
خانهٔ من چون صدف معمور از این باران شده
(وجه شبه در مصراع دوم، «معمور از این باران شده» است.)

باغبان، همچو نسیم ز در خویش مران
کآب گلزار تو از اشک چو گلنار من است
(«ز در خویش مران» وجه شبه است. در مصراع دوم، تشبیه داریم ولی وجه شبه ذکر نشده است.)

گشت چون خال سیاه تو مرا روز سپید
گشت چون زلف تو آشفته مرا صورت حال
(وجه شبه در مصراع دوم، صفت «سیاه» است که در واقع، صفت متمم است.)

ادات تشبیه هر لفظی است که بیانگر ارتباط شباهت دو چیز باشد؛ پس ادات محدود نیست و می‌تواند هر لفظی باشد که از شباهت دو چیز خبر می‌دهد. با این حال، انواع رایج‌تر آن عبارت است از:

پسوند: ـوَش، ـگون (گونه)، ـسار، ـسان، ـوار، ـآسا، ـقام

مثال: مه‌وَش، آبگون، دیوانه‌سار، مردسان، مُرداروار، گل‌قام

نکته: چشمه‌سار و کوه‌سار و شاخسار تشبیه نیستند. پسوند «سار» در آن‌ها به معنی مکانی است که در آن، چشمه یا کوه یا شاخهٔ بسیاری وجود دارد.

حرف اضافه: چون (چو، همچون)، چونان (همچونان)، مانند، مثل، به‌سان، برسان، به‌کردار

قید: واژگان قیدی (قیدهای تشبیه)، مثل «گو [که]، گویی، گویا، گفتی، پنداری، انگار»

فعل: مانستن (یا ماندن)

واژه‌هایی مثل «صورت»، «صفت»، «رنگ»

مثال: زلف لیلی‌صفت، گرد زعفران‌رنگ و...

☆ نکته: «مانستن» در ساخت مضارع، (مثلاً مضارع اخباری) به شکل «می‌مانم، می‌مانی، می‌ماند، می‌مانیم، می‌مانید، می‌مانند» به کار می‌رود. باید دقت کنید که «ماندن» در معنی «باقی‌ماندن» را با این فعل اشتباه نگیرید.

☆ انواع تشبیه از نظر ارکان (با توجه به کتاب درسی):

۱) گسترده (سه‌جزئی / چهارجزئی)

۲) فشرده (اضافی / غیراضافی)

در درس‌نامه سوال ۷، انواع تشبیه را با توجه به کتاب درسی آموختیم؛ نخست آن را مرور کنیم، سپس دسته‌بندی تازه‌ای که تنها برای تشخیص دقیق و درست تشبیه لازم است، به شما معرفی می‌کنیم. با توجه به کتاب درسی، تشبیه دو نوع «گسترده» و «فشرده» دارد. کتاب درسی نیز البته ذکر کرده‌است که «تشبیه فشرده گاه به صورت اضافی و گاه به صورت غیراضافی به کار می‌رود (تشبیه‌های غیراضافی معمولاً به صورت جمله اسنادی هستند)».

پس وقتی از «نوع تشبیه» بپرسند، تشخیص تشبیه اضافی (یا همان اضافه تشبیهی) و تشبیه غیراضافی اهمیت زیادی دارد. باین‌حال، غالباً با وجود تشبیه کار داریم و به شناخت نوع آن نیازی نیست. برای تشخیص وجود تشبیه به تسلط به دسته‌بندی متفاوت و گسترده‌تری از تشبیه نیاز است؛ باید بر شکل‌ها و مضامین پرتکرار تشبیه‌ساز مسلط باشید، چراکه این آرایه اهمیت خیلی زیادی در کنکور سراسری دارد.

در درس‌نامه جامع تشبیه در آزمون قبلی تمام نکات مربوط به تعریف و پایه‌های تشبیه را مرور کردیم؛ باین‌حال، برای آن که با یک پایه قوی به دسته‌بندی تشبیه بپردازیم، یادآوری می‌کنم که تشبیه نهایتاً یعنی مقایسه‌ای بین دو پدیده که معمولاً یکی بیشتر شناخته‌شده و مشهور است. نگاه‌کردن به تشبیه به عنوان یک «مقایسه بین دو پدیده» اجازه می‌دهد که تشبیه‌های غیرمتعارف را بهتر بشناسیم و تشخیص بدهیم. این مقایسه می‌تواند به انواع متنوعی انجام شود و اصل اساسی آن وجود نام همان دو پدیده‌ای است که در حال مقایسه شدن هستند. حال به انواع زیر توجه کنید:

۱) تشبیه آشکار

تشبیهی آشکار است که به شکل هر یک از اشکال زیر برقرار شود؛

- با استفاده از ادات تشبیه (سه‌جزئی، چهارجزئی، دوجزئی)

- در ترکیب اضافی

- در جمله اسنادی

- با گروه بدلی

- در واژه مرکب

۲) تشبیه پوشیده

هر تشبیهی (مقایسه‌ای) که به شکل‌های فوق برقرار نشود پوشیده است؛

- مقایسه پوشیده

- برتری بخشیدن پوشیده

حال، یک‌به‌یک این انواع را بررسی می‌کنیم:

- با استفاده از ادات تشبیه

- چهارجزئی: به این نوع تشبیه «گسترده» هم گفته می‌شود، زیرا اجزا و ارکان تشبیه در گسترده‌ترین و واضح‌ترین شکل ممکن بیان می‌شود. به نمونه‌های زیر دقت کنید:

الف) گر بود آتشکده آرامگاه موبدان عشق او چون موبد است و جان من آتشکده است

- سه‌جزئی: به این نوع تشبیه «گسترده» هم گفته می‌شود و در آن «ادات تشبیه» حتماً وجود دارد.

الف) مشبه + ادات تشبیه + مشبه‌به:

رخ چو آب اندر شراب و تن چو خز اندر سمن لب چو لعل اندر نبات و پر چو سیم اندر حریر

نیک مآند خم زلفین سیاه تو به دال نیک مآند شکن جعد پریش تو به جیم

(به استفاده از حروف الفبا به عنوان مشبه‌به دقت کنید؛ این تصویرسازی در ادبیات فارسی پرسابقه است).



۳- در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟

«می ساختم چو بریط و می سوختم چو عود / زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود»

@ADABIAT_AHMADI

(۱) دو - دو (۲) سه - سه (۳) یک - دو (۴) دو - سه

(۳) پاسخ گزینه ۴

جناس: «می ساختم - می سوختم» و «سوز - ساز» و «عود - بود» / ایهام تناسب: «عود» در معنای نوعی چوب خوش بو به کار رفته و در معنای نوعی ساز با بریط ایهام تناسب می سازد. / «ساز» در معنای مدارا کردن به کار رفته و در معنای نوعی ساز با بریط ایهام تناسب می سازد.

نکات:

جناس:

دو نوع دارد؛

الف) جناس همسان (تام): دو کلمه از لحاظ نوشتن و خواندن مثل هم هستند، اما معانی مختلفی دارند. مثل «برادر که در بند خویش است، نه برادر و نه خویش است». ← در اینجا «خویش» اول به معنای خود و «خویش» دوم به معنای خویشاوند است.

ب) جناس ناهمسان (ناقص): سه دسته دارد؛

۱- جناس ناقص اختلافی: دو کلمه در یک حرف با یکدیگر تفاوت داشته باشند. مثل «نور» و «نار»

۲- جناس ناقص حرکتی: دو کلمه در حروف یکسانند، اما در مصوت‌های کوتاه با هم تفاوت دارند. «مَلک» و «مَلِک»

۳- جناس ناقص افزایشی: یکی از کلمات یک حرف بیشتر از دیگری دارد. «جام» و «جامه»

انواع دیگر جناس:

این موارد در کتاب درسی عنوان نشده‌اند، اما بهتر است با آن‌ها آشنا باشید.

۱- جناس ناقص لفظی: دو کلمه از نظر خواندن مثل هم هستند، اما از لحاظ نوشتن تفاوت دارند. مثل «خوار» و «خار».

۲- جناس ناقص قلب: دو کلمه در حروف و تعداد آن‌ها یکسانند، اما جای حروف در آن‌ها عوض شده است. مثل «بنات» و «نبات»

۳- جناس مرکب: یکی از کلمات ساده و دیگری بیش از یک واژه (مرکب) باشد. مثل:

«هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست» ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست (را + است)؟»



۱) فعل «مانستن»، حروف اضافه «مثل، مانند، بسان، چون، به‌کردار، به‌شیوه، به‌گونه و...» و قیود «پنداری، انگار، گو که، گفتی» ۲) درون یک واژه غیرساده: پسوندهای شباهت مثل «آسا، قام، وار، وش، گون و...» ۳) واژه‌ای شبیه به ادات تشبیه: «رنگ، صفت، صورت، کردار، منظر و...» مثل «لیلی‌صفت، شب‌رنگ، آسمان‌کردار، بهشت‌صورت، حورمنظر» (به‌شرطی که واژه‌ای که پیش از آن‌ها می‌آید اسم باشد، نه صفت. مثلاً «خوب‌منظر» تشبیه ندارد)	اگر ادات تشبیه وجود داشت:
۱) مشبه به + مشبه: گل رو، سنگ فتنه، مس وجود و... ۲) مشبه + مشبه به: ابروی کمان، لب لعل	اگر ادات تشبیه وجود نداشت، ترکیب‌های اضافی:
۱) جملاتی به شیوه عادی با فعل‌های اسنادی (بودن و شدن): الف ب است ۲) جملاتی با شیوه بلاغی: الف است ب (ممکن است میان اجزا فاصله هم باشد) ۳) فعل‌های گذرا به مفعول و مسند که تشبیه میان مفعول و مسند برقرار شده است: «لاله را قدحی دیدم سرخ و برافراشته» ← لاله قدحی سرخ و برافراشته است.	جملات اسنادی
تو، یت، چرا به معلم روی که بتگر چین تو، درخت خوب‌منظر، همه میوه‌ای ولیکن...	بدل

برخی گروه‌واژه‌های چندمعنایی (ایهام، جناس تام، ایهام تناسب)



چشم

عین (چشم / چشمه / خود)
مردم (آدم‌ها / مردمک)
نگاه‌داشتن (حفظ‌کردن / در تناسب با «چشم»، نگاه‌کردن)
نگران (مضطرب / نگرنده)

زلف

تاب (پیچ و خم / قهر و خشم / تحمل و توان / گرما)
چین (پیچ و تاب / نام منطقه‌ای که نافه‌هایش به خوش‌بویی و ساکنانش به زیبایی مشهور هستند)
سر به زیر / سرافکنده (متمايل بودن موها به سمت پایین / سرافکنندگی)
سرکش (سرکشنده، در توصیف ظاهر مو / عاصی)

۴- در منظومه «... نرسیده به درخت / کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است / در آن عشق به اندازه پره‌های صداقت آبی است / می روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ، / سر به در می آرد و تو را ترسی شفاف فرا می گیرد» به ترتیب چند حس آمیزی و چند تشبیه وجود دارد؟

(۱) دو - یک (۲) دو - دو (۳) سه - یک (۴) سه - دو

(۴) پاسخ گزینه ۴

حس آمیزی: سبز بودن خواب خدا - آبی بودن پره‌های صداقت - ترسی شفاف / کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است: تشبیه تفضیل
عشق به اندازه‌ی (مانند) پره‌های صداقت آبی است: تشبیه

حس آمیزی:



مقصود از حس آمیزی بیان و تعبیری است که از آمیخته شدن دو یا چند حس پدید می آید. به عبارت دیگر حس آمیزی آمیختن دو یا چند حس است در کلام، به گونه ای که با ایجاد موسیقی معنوی به تأثیر سخن بیفزاید و سبب زیبایی آن شود. همان طور که می دانیم برای هر حس یک عضو یا اندام و چند واژه مربوط به آن وجود دارد که در زیر آن ها را می بینیم.

بینایی ← چشم؛ دیدن، رنگ، نور، روشنی، روشن، تاریک، تاریکی و

شنوایی ← شنیدن، گوش؛ صدا، آواز، فریاد و

چشایی ← چشیدن، زبان؛ تلخ، شیرین، شور، ترش و

بوایی ← بویدن، بینی؛ بو، عطر، بوی خوش و ...

لامسه (بساوایی) ← لمس کردن، پوست؛ نرمی، زبری، سوزان، سخت و ...

اگر هر حسی با عضو و واژگان مربوط به خود به کار رود، کلام عادی است و حس آمیزی پدید نمی آید. مثلاً اگر بگوییم: سبزی درخت را دیدم رنگ (سبز) با دیدن (حس بینایی) درک می شود. اما اگر بگوییم «یک لحظه سبزی درخت را شنیدم». دو حس بینایی (سبزی) و شنوایی (شنیدن) درآمیخته شدند و آرایه حس آمیزی را پدید آوردند. به این مصراع از بیدل دهلوی توجه کنید:

«از راه گوش دیدن» یک حس آمیزی است. ←

۵- تعداد تشبیهات کدام بیت بیشتر است؟

۱) واله و شیدا است دائم همچو بلبل در قفس / طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست

۲) بمال بر لب خون خوار حرص، خاک قناعت / و گرنه تشنگی افزاست آب شور تمنا

۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظره / چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه سارا

۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا / که باشد عقد گوهر خوشه ای از خرمن دریا

۵) پاسخ گزینه ۴

در این گزینه سه تشبیه وجود دارد: ۱- تو (مخاطب) به موج تشبیه شده ۲- عقد گوهر [مانند] خوشه است. ۳- خرمن دریا (اضافه تشبیهی)

بررسی سایر گزینه ها:

۱) ۱- طبعم چون بلبل است. ۲- طوطی طبع (اضافه تشبیهی) = ۲ تشبیه

۲) ۱- خاک قناعت (اضافه تشبیهی) ۲- آب شور تمنا (اضافه تشبیهی) = ۲ تشبیه

۳) ۱- خاکش چون سنگ سرمه است ۲- خاکش [چون] پیرایه است = ۲ تشبیه



در زبان فارسی از یک ابزار ساده و سراسر استفاده می‌کنیم که ارتباط بین دو چیز را اعلام کنیم. ابزاری که چون معمولاً نوشته نمی‌شود، آن را به رسمیت نمی‌شناسیم و فراموش می‌کنیم. اگر بخواهیم جمله «من کتابی دارم» را به شکلی فشرده‌تر بیان کنیم ناچاریم که بگوییم «کتاب من». یعنی «کتاب» را با «کسرۀ اضافه» به «من» نسبت بدهیم. به چنین ترکیبی از دو اسم و یک کسرۀ اضافه، «ترکیب اضافی» گفته می‌شود. از آن‌جا که ترکیب اضافی نقش مهمی در مبحث آرایه‌های ادبی دارد، توضیحات زیر برای بازشناسی انواع آن مفید است.

۱) اضافه تشبیهی

هنگامی که یک اضافه تشبیهی است، اولاً طرفین آن احتمالاً سوژه‌های آشنایی برای شما هستند. تصاویر کلیشه‌ای و پرتکرار ادبیات فارسی را می‌شناسید (همین‌جا هم برایتان فهرست شده). بنابر این، در مرحله اول می‌توانید ببینید که اصلاً اجزای ترکیب پدیده‌هایی که معمولاً می‌بینید هست، یا نه. از سوی دیگر، وقتی تشبیهی فشرده می‌شود و در قالب یک ترکیب اضافی بیان می‌شود، همیشه می‌توان آن را برگرداند و به یک گزاره تشبیهی گسترده تبدیل کرد. وقتی بین مضاف‌الیه و مضاف «ادات» قرار بدهیم، قاعدتاً باید معنی درست و روشنی بدهد و معقول باشد. معمولاً مضاف‌الیه (واژه دوم) به مضاف (واژه اول) تشبیه شده است. مضاف در این نوع ترکیب «کل» یا «مستقل» است. مثلاً «آتش حسد» که در آن «آتش» یک پدیده کلی و مستقل است، حال اگر بگوییم «گرمای حسد» دیگر اساساً داستان متفاوتی می‌شود!

علاوه بر نمونه‌هایی که در درس‌نامه قبلی آمد، به نمونه‌ها و تمرین زیر دقت کنید:

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

- «وجود» مانند «مس» است؛ «عشق» مانند «کیمیا» است.

- «زر شوی» تشبیه فشرده غیراضافی (اسنادی) است.

- «مردان ره» ترکیب اضافی ادبی نیست و آرایه‌ای ندارد.

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

- «فراش باد صبا»؛ «باد صبا» مانند «فراش»

- «دایه ابر بهاری»؛ «ابر بهاری» مانند «دایه»

- «بنات نبات»؛ «بنات» مانند «بنات»

نکته: ترکیب «شغل + پدیده غیرانسانی» معمولاً اضافه تشبیه می‌آفریند.

نرگست در طاق ابرو از چه خفته بی‌خبر / زان که جای خواب مستان گوشه محراب نیست

- «طاق ابرو»

- «نرگس» (استعاره مصرحه از چشم) به شکل پوشیده‌ای در ارتباط با «محراب» قرار گرفته و به آن تشبیه شده.

۶- تعداد جناس در کدام گزینه بیشتر است؟

۱) چشمه چشم من از سرو قدت یافته آب / رشته جان من از شمع رخت یافته تاب

۲) تا جان بود از مهر رخس بر نکم دل / گر میر نه‌د بندم و گر پیر دهد پند

۳) دل به دست یار و غم در دل بماند / خارم اندر پای و پا در گل بماند

۴) من با غم دل ساخته و سوخته در تب / و او از دم دود من دلسوخته در تاب

(۱) چشم و چشمه / آب و تاب

(۲) میر و پیر / نهد و دهد / بند و پند

(۳) دل و گل / بار و خار

(۴) غم و دم / در و دم / ساخته و سوخته / تب و تاب

نکات:

جناس‌های ناهمسان

(۱) ناهمسان اختلافی: میان دو واژه تنها یک حرف اختلاف وجود دارد که می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر واژه باشد.

(۱) ابتدا: تن - من، است - دست، کیش - ریش، کمند - سمند، سجود - وجود، گر - مر، بر (با معانی مختلف) - سر

(۲) میان: جوان - جهان، نیش - نوش، بازار - بیزار، طرب - طلب

(۳) پایان: خروس - خروش، بار - باز، باد - بام، غریب - غریو

(۲) جناس ناهمسان افزایشی: میان دو واژه که یکی فقط یک حرف بیش‌تر دارد، این نوع جناس وجود دارد. واژه‌ای که حرف متفاوت را دارد، معمولاً یک مصوت کوتاه بیش‌تر هم دارد؛ «جان» و «جهان» که این ایرادی در جناس ایجاد نمی‌کند.

(۱) ابتدا: دم - قدم، نظر - منظر

(۲) میان: سیر - سر، غزال - غزل، ناز - نیاز، قامت - قیامت، حرم - حریم، جام - جم، دست - دوست، زر - زور، نای - نی، سگ - سنگ، سر - سپر

(۳) پایان: غار - غارت، باد - باده، دید - دیده، رفت - رفته، خطا - خطاب

(۳) ناهمسان حرکتی: اختلاف میان دو واژه تنها در یک مصوت کوتاه است. مثال: مهر، مُهر

اتصالاتی که در جناس بی‌تاثیرند!

«تر» و «ترین»، علائم جمع (ها، ان، ات) و «ی» نکره

ضمایر متصل (م، ت، ش، ع، مان، تان، شان) هم در جناس تام تاثیری ندارند. بنابر این، «گورها» و «گور»، «مهرم» و «مهر» و ... می‌توانند جناس تام داشته باشند. همچنین، «ی» اسنادی را هنگام بررسی جناس در نظر نمی‌گیریم؛ پس «مردی» (مرد هستی) و «درد» جناس دارند.

«لفظ»

در تعریف جناس، به واژه «لفظ» دقت کنید. جناس تام می‌تواند بین انواع مختلف واژگان اتفاق بیفتد اما بین دو حرف اتفاق نمی‌افتد. در زبان فارسی، ما چند نوع کلمه داریم:

اسم، صفت، قید، فعل، حرف، ضمیر، فعل
مثلاً «بر» می‌تواند به معنی (۱) آغوش، سینه، (۲) نزد، (۳) روی (حرف اضافه)، (۴) ثمر و میوه باشد. حتی پیشوند «بر» در فعل «برگرفتن» (و نمونه‌های مشابه) هم می‌تواند با هر یک از معانی دیگر جناس تام بسازد.

آب: مایع نوشیدنی / آب: رونق و آبرو	په: درخت په، میوه په / په: بهتر
آهنگ: قصد و نیت / آهنگ: نغمه و صدا	بگذار: قرار بده / بگذار: رها کن
آهو: غزال / آهو: عیب و نقص	روان: جاری و متحرک / روان: روح
باد: جریان هوا / باد: فعل دعایی «باشد»	بی‌وزن: سبک / بی‌وزن: بی‌ارزش و بی‌اعتبار / بی‌وزن: بدون وزن عروضی
بار: دفعه و مرتبه / بار: محموله / بار: میوه و ثمر، محصول / بار: اجازه ورود به نزد شخصی بزرگ	پرده: حجاب، پوشش / پرده: پرده موسیقی / پرده: صفحه یا بوم نقاشی
باری: یک بار / باری: خلاصه	پریشان: آشفته و دَهرم / پریشان: بیمار و پریشان‌حال، مضطرب
باز: گشوده / باز: پرندۀ شکاری / باز: دوباره، مجدداً	تاب: تاب و توان / تاب: پیچ و تاب / تاب: تابش
بازی: بازی و سرگرمی / بازی: باز شکاری بودن	باد: هوا / باد: فعل دعایی از بودن
بالا: قد و قامت / بالا: متضاد پایین	بر: حرف اضافه / بر: ثمر / بر: سینه و آغوش
بهشت: جنت / بهشت: از مصدر «هشتن»	چنگ: پنجه دست / چنگ: نوعی ساز
جهان: دنیا / جهان: صفت فاعلی «چهنده»	دوش: دیشب / دوش: کتف
خطر: اعتبار و اهمیت / خطر: ریسک	طاق: یگانه / طاق: بنای محدب



۷- کدام بیت دارای یک استعاره و بیشترین مجاز است؟

- ۱) چگونه سرو روانی به فکر خون من افتد / که ریخت خون جهانی به خاک راه گذارش
- ۲) مرا به صید گهی می کشد کمند محبت / که خون شیر خورند آهوان شیر شکارش
- ۳) چه عشوه ها که خریدم ز چشم عشوه فروشش / چه باده ها که کشیدم ز لعل باده گسارش
- ۴) کجا رواست که یکجا رود به دامن گلچین / گلی که بلبل مسکین کشید ز حمت خارش

(۷) پاسخ گزینه ۱

سرو روان: استعاره از محبوب و معشوق (مجاز به علاقه شباهت) / خون مجاز از کشتن / جهان مجاز از مردم جهان / نکته: خون ریختن کنایه از کشتن است نه مجاز!

نکات:



کنایه را معمولاً در گزاره‌ها (یعنی خبر هر جمله، ترکیبی از فعل و اجزای دیگر) می‌بینیم اما بسیاری از صفات هم در زبان به شکل کنایی به کار می‌روند (یعنی معنی ظاهری آن‌ها به صفتی دیگر، معنی ثانوی، اشاره می‌کند).

به نمونه‌های زیر از کنکور سراسری دقت کنید:

«دست یازیدن به...»: فدای جان تو «خواجو» اگر قتیل تو گردد
 «سر در کاری کردن»: به سخن دعوی حق را نتوان برد از پیش
 «دست شستن از...»: دست شستم ز دل و دیده‌ی خون‌بار ولیکن
 «سیاه‌دل»: در بوم این سیاه‌دلان جغد می‌شویم
 «چشم داشتن»: من از دو نرگس مست تو چشم آن دارم
 «سیه‌روزی»: کس مبادا به سیه‌روزی ما در ره عشق

ولی به قتل وی آن به که دست خویش نیازی (انسانی ۹۲ داخل)
 هر که سر در سر این کار کند منصور است (انسانی ۹۳ داخل)
 نقش رخسار تو از لوح و دیده نشستم (انسانی ۹۳ داخل)
 ورنه همای گوشه‌ی ویرانه‌ی خودیم (انسانی ۹۳ داخل)
 که آگه از نگه گاه‌گاه من باشی (انسانی ۹۴ داخل)
 که فلک تیره شد از تیرگی کوکب ما (انسانی ۱۴۰۰ داخل)



ارتباط: جزء و کل	
دست	انگشتان دست
سر	موی سر
حرف	سخن
چمن	باغ
نگین	انگشتر
سینه، چشم، سر، گوش و...	وجود
بیت، غزل	شعر
«الحمد»	سوره فاتحه
ابر	آسمان
کف	دست
دو پدیده متضاد (ماهی و مرغ، پیر و جوان، نیک و بد، و...)	همه چیز
ماه و پروین، مه و خور	کل سیارات و ستاره‌ها
طره	زلف
فردا، امروز، دی	آینده (قیامت)، اکنون، گذشته
ارتباط: جایگاه (حال و محل، محلیه، ظرف و مظروف)	
سر	قصد، نیت، اندیشه
جهان، گیتی، عالم، دنیا، گردون	مردم
شهر، دشت، کشور و...	مردم
خانه، مجلس	اهل خانه، اهل مجلس
پیاله، ساغر، جام و...	شراب
شراب	پیاله، ساغر، جام و...
ارتباط: علت و سبب	
سیر	بیزار، بی‌رغبت
دم	سخن
نفس	سخن
بازو، دست	قدرت، توان
ارتباط: ابزار (آلّه)	
زبان	سخن‌گفتن، کلام
گوش	شنیدن
کَلک، خامه، قلم	نوشته، نوشتن
چشم	نظر، عقیده

۸- بیشترین مجاز در کدام بیت یافت می‌شود؟

- ۱) هر سرو قد که بر مه و خور حسن می فروخت / چون تو در آمدی پی کاری دگر گرفت
- ۲) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است / که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است
- ۳) یک سرب بی کبر در نمرود زار خاک نیست / کاسه هر کس که می بینم از این صهبا پر است
- ۴) می خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست / از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت

۳) «سر» مجاز از انسان - «خاک» مجاز از زمین - کاسه مجاز وجود / البته کاسه و صهبا هر دو استعاره هستند؛ اولی استعاره از وجود و دومی استعاره از غرور (شاید طراح هر دو را مجاز فرض کرده است)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «مه و خور» مجاز از زیبایی‌های جهان / (نکته: «سروقد» دارای تشبیه است - تشبیه آن سرو قد به مه و خور و برتر دانستن آن (مرجح)

۲) «سر» مجاز از اندیشه و فکر

۴) «دم» مجاز از سخن / «رنگ و بوی» مجاز از طراوت و زیبایی

نکات:

مجاز 

۱) برای تشخیص مجاز، نخست به قاعدهٔ اساسی ما دقت کنید که «وقتی واژه‌ای در معنی مجازی به کار رفته باشد، با مترادف خود (معنی حقیقی آن) جایگزین پذیر نیست». در جملهٔ «هر کرا در خاک غربت پای در گل ماند، ماند»، نمی‌توان به جای «خاک» مترادف آن یعنی «گرد و غبار» گذاشت. زیرا خاک در معنی دیگری به کل به کار رفته است که تنها با معنی حقیقی، ارتباط دارد. پس از جایگزین کردن معنی حقیقی و مترادف واژه‌ها استفاده می‌کنیم.

۲) با این همه، مجاز آرایه‌ای است که در سطح کنکور، معمولاً در واژه‌های مشخصی موردنظر است و فقط کافی است شما آن واژه‌ها را بشناسید و مطمئن شوید در متن موردنظر هم به شکل غیرحقیقی به کار رفته‌اند. مجازهای به کار رفته در کنکورهای ۹۸ تا ۱۴۰۱ (داخل) را در زیر ببینید:

یک عمر (مدت زیاد)

صد (مقدار زیاد)

هزار (مقدار زیاد)

خاک (مزار)

مصراع / مصراع (شعر)

چمن (بوستان)

طره (مو)

جهان (مردم جهان)

شهر (مردم شهر)

سر (قصد)

دست (تسلط)

خون (کشتن)

چشم (دیدگاه)

جام (می)

ارتباط: جنس

تیر	خدنگ ، گز
شمشیر، زره	آهن، فولاد
زمین، گور	خاک
ارتباط: لازمیه (همراهی)	
قتل، کشتن	خون
بهار	گل / ایام گل
نوشته، سند	خط
آفتاب، ماهتاب	خورشید، ماه



۹- در کدام بیت دو ایهام و یک استعاره وجود دارد؟

- ۱) یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم / زان دو لب شیرین صد شور بر انگیزم
- ۲) ساقی ار باده از این دست به جام اندازد / عارفان را همه در شرب مدام اندازد
- ۳) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت / قطره باران ما گوهر یکدانه شد
- ۴) گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد / گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

۹) پاسخ گزینه ۲

ایهام: «دست» در دو معنا به کار رفته است: ۱- عضوی از بدن ۲- قاعده و روش و نوع / «مدام» در دو معنا به کار رفته است: ۱- شراب ۲- همیشه
استعاره: «ساقی» استعاره از معشوق یا واسطه فیض الهی / «باد» استعاره از معرفت و حقایق عرفانی

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) ایهام تناسب: «شور»: ۱- شوق ۲- مزه شور در ارتباط با واژه شیرین / استعاره ندارد

۳) ایهام ندارد / قطره باران و گوهر استعاره از اشک

۴) ایهام: «بوی»: ۱- عطر ۲- آرزو / استعاره ندارد

نکات:

برخی استعاره‌های مصرع‌های رایج (مربوط به معشوق)

لب یار	گیسوی یار	چهره یار	قامت یار	محبوب زیبا
لعل	کمند	ماه	سرو	بت
عناب	زنجیر سلسله	آفتاب	شمشاد	صنم
پسته	چوگان	سمن		لعبت
غنچه	مشک، عنبر	گل		سرو
عقیق	سنبل	ارغوان		غزال
شکر	شب	لاله		نگار
				ماه
				شمشاد



کاربرد یک واژه (اسم) در معنی غیر حقیقی.

معنی حقیقی: آن دسته از معانی یک واژه که در فرهنگ لغت ذکر شده است.

معنی غیر حقیقی / مجازی: معنی‌ای که گوینده یا نویسنده به واژه می‌دهد.

برای کاربرد یک واژه در معنی غیر حقیقی لازم است بین معانی حقیقی و مجازی ارتباطی باشد. همچنین، باید در متن نشانه‌ای باشد که به کاربرد مجازی اشاره کند.

نمونه‌ها:

- مرغان چمن نعره زنان دیدم و گریان / زین غنچه که از طرف چمن زار برآمد

معنی حقیقی «چمن»: مسیری در باغ یا بوستان که زمین آن را جای به جای سبزه یا گل کاشته و در دو طرفش درختان سبز یا میوه‌دار نشانده باشند.

معنی «چمن» در این متن: باغ، بوستان

با توجه به معنی حقیقی «چمن»، «مرغان چمن» نمی‌تواند تنها به مرغان (پرندگان) اشاره کند که تنها در خیابان‌ها و رهگذرهای بین درختان باغ می‌زیستند!

پس منظور از «چمن» کل «باغ و بوستان» است.

- دست در حلقه آن زلف دوتا نتوان کرد / تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد

معنی حقیقی «دست»، از آرنج تا انگشتان، یک پدیده کلی است. نمی‌شود زلف کسی را با کل دست گرفت؛ منظور از «دست» همان «انگشتان» است که جزئی از آن است.

معمولاً برخی واژگان «مجازآفرین» در کنکور سراسری تکرار می‌شوند. فهرست این واژه‌ها را در درس‌نامه‌های بعدی می‌بینید.

۱۰- تعداد تشبیهات در کدام بیت بیشتر است؟

(۱) ای بهشتی رخ طوبی قد خورشید لقا / بشنو این بیت خوش از خسرو جاوید لقا

(۲) از طاق ابروانت وز تار گیسوانت / هم خسته کمانیم هم بسته کمندیم

(۳) تو مهر درخشنده و من ذره محتاج / تو خانه فروزنده و من خانه به دوشم

(۴) گاهی از جلوه شیرین روشی مجنونم / گاهی از خنده شیرین منشی فرهادم

(۱۰) پاسخ گزینه ۴

گزینه ۱: (۱) - بهشتی رخ ۲ - طوبی قد ۳ - خورشید لقا / گزینه ۲: (۲) - ۱ - طاق ابروان ۲ - ابروانت به کمان (حتی از آن هم بهتر) ۳ - گیسوانت به کمند

گزینه ۳: (۳) - ۱ - تو مهر درخشنده ۲ - من ذره محتاج ۳ - تو خانه فروزنده / گزینه ۴: (۴) - ۱ - شیرین روش (کسی که روشش مانند شیرین است) ۲ - من

مجنونم ۳ - شیرین منشی ۴ - من فرهادم

نکته طلایی



همان‌طور که می‌دانید، دانش دستوری در درک دقیق مفهوم بیت و سپس آرایه‌های یک بیت نقش مؤثری دارد. به همین سبب، نباید دانش دستوری را در فارسی عمومی دست‌کم گرفت. در این بیت، «غبار فقر و فنا» عبارتی است که دارای «معطوف» است، یعنی «فنا» به فقر «عطف» شده است. در ترکیب‌های اضافی‌ای که واژه یا واژگانی به مضاف یا مضاف‌الیه عطف می‌شوند، باید جزء محذوف را نیز در نظر گرفت. «غبار فقر و فنا» مساوی است با «غبار فقر و غبار فنا»، یا «غبار و گرد فقر» مساوی است با «غبار فقر و گرد فقر». تعداد تشبیه‌های اضافی گاهی به این نکته بستگی دارد.



همه چیز در مورد تشبیه فشرده

گاهی تشبیه در دو واژه خلاصه و چکیده می‌شود. این گونه خیال‌انگیزتر و بلیغ‌تر به نظر می‌رسد. اگر لفظ «ادات» در جمله وجود داشته باشد شبیه‌دانستن دو پدیده بیش‌تر به چشم می‌آید ولی بدون وجه و ادات، مشبه و مشبه بیش‌تر «یکسان» به نظر می‌رسند و کشف تشبیه‌بودنشان هم کمی دشوارتر می‌شود که با لذت بیش‌تر همراه است.

مطابق کتاب درسی، تشبیه فشرده دو دسته دارد: (۱) اضافی و (۲) غیراضافی

تشبیه اضافی به دو شکل دیده می‌شود:

الف) مشبه به + مشبه:

امروز بتم تیغ جفا آخته دارد / خون دلم از دیده برون تاخته دارد
ای کز دم زلف تو زده بر دل من نیش / وز ضربت آن نیش دل نازک من ریش
(ب) مشبه + مشبه به:

بتی گر تیر ز ابروی کمان زد / ترا بر جامه و ما را به جان زد (این نمونه از تشبیه اضافی خیلی نادرتر است)
لطیفه‌ای است نهانی که عشق از او خیزد / که نام آن نه لب لعل و خط زنگاری است
تشبیه غیراضافی در قالب‌های مختلفی بیان می‌شود اما معمولاً به شکل یک جمله اسنادی است.

- در واژه مرکب

الف) برگذشت آن ماه‌پیکر گرد باغ و بوستان / گرد رو اندر به غمدا تاب داده موی را
(ب) چو درفتاد به دام آن نگار سیم‌اندام / سه بوسه از دو لب او شکار باید کرد
(ج) سنبل‌خط و لاله‌رخ نگاری است / آن ماه سمن‌برگل آغوش

- با گروه بدلی

«بدل» یک نقش تبعی برای گروه اسمی است؛ گروهی که با درنگ، پس از یک گروه اسمی دیگر بیاید و آن را توضیح دهد، یا لقب و عنوان و عیناً معادل آن باشد، یک گروه بدلی است. در جمله «من، دانش‌آموزی کوشا، در این‌جا تلاش می‌کنم»، «دانش‌آموزی کوشا» عیناً معادلی «من» است و بدل آن به شمار می‌آید. نکته اینجاست که چنین نقش دستوری‌ای بسیار برای بیان رابطه شباهت مناسب است. در تشبیه هم ما با استفاده از بدل می‌توانیم بگوییم که دو پدیده نامتجانس و دور، این‌گونه معادل هم دانسته می‌شوند.

الف) اگر تو سرو خرامان ز پای ننشینی / چه فتنه‌ها که بخیزد میان اهل نشست
(ب) بر پل شکسته ممان، کاین نه خالی از خطر است / رود، ازدهای دمان، زیر پات در گذر است
(ج) تو، درخت خوب‌منظر، همه میوه‌ای ولیکن / چه کنم به دست کوتاه که نمی‌رسد به سیب

- در جمله اسنادی

الف) از سنبل اوست نوش من زهر / وز لاله اوست زهر من نوش
(ب) سیاه خال تو دانه است و تیره زلف تو دام / به دام بسته شوم گر طمع به دانه کنم



تشبیه «درون‌واژه‌ای»

گاهی تشبیه درون یک واژه وجود دارد. گونه‌های مختلفی از تشبیه درون‌واژه‌ای وجود دارد، مثل «سروقد» (قد او مانند سرو است)، «خورشیدچهر» (چهره او مانند خورشید است) و...

بشنو این بیت خوش از خسرو جاویدلقا (تجربی ۹۸)
سمن‌بری، صنمی، گل‌رخی، جفاکاری (تجربی ۹۷)

ای بهشتی‌رخ طوبی‌قد خورشیدلقا
مرا دلی است گرفتار عشق دل‌داری